نقد و بررسی کتاب

جلال متینی

دیوان حاج ملاهادی سبزواری [اسرار]
مقدمه، تصحیح، تعلیقات و ترجمهٔ انگلیسی
به قلم: پروفسور سید حسن امین[*]
تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲ / ۱۹۹۳
صفحات: فارسی ۳۳۰+انگلیسی ٤، بها (؟)

پیش از آن که به معرفی کتاب بپردازم، لازم می دانم که خوانندگان ولو به اجمال با مصحح دیوان آشنا شوند. بدین جهت نخست آنچه را که در «شناسنامهٔ کتاب»، دربارهٔ وی نوشته شده است نقل می کنم:

> مقدمه و تصحیح و تعلیقات از: پروفسور دکتر سید حسن امین، استاد عالیمقام دانشگاه (پُر پروفسور) و رئیس تمام وقت بخش فوق لیسانس و دکتری در حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی در دانشگاه گلاسکو کالیدونیا (انگلستان)، رئیس مؤسسهٔ حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی اسکاتلند، وکیل دادگاههای عالی و استیناف و مجلس لردان (انگلستان) با حق وکالت در کلیّهٔ دادگاههای ۱۲ کشور عضو بازار مشترک اروپا، عضو آکادمی اسلام (کمبریج)، استاد موقت، استاد افتخاری و استاد مهمان در فلسفه و عرفان، مطالعات اسلامی و حقوق اسلامی در دانشگاههای اروپا و امریکا، استاد مدعو سابق دانشگاه تهران، اولین و تنها ایرانی که تاکنون

> در رشتهٔ حقوق در خارج از ایران به مقام پروفسوری رسیده است، اولین و تنها مسلمانی که در طی تاریخ پانصدسالهٔ «دیوان عدالت» [کالج آف جاستیس] به عضویت این دیوان که ریاست عالیهٔ آن با ولیعهد بریتانیای کبیر است رسیده و اولین مسلمانی که در طول تاریخ در کشور انگلستان از طرف دولت انگلیس برای تعقیب جزائی متهمین انگلیسی در دادگاههای انگلیس، به سمت مدعی العموم موقت منصوب شده است.

مصحح دیوان به علاوه در صفحات ٣٠٨ و ٣٠٩ کتاب نیز از «مقاطع مهم» حیات خود، و از جمله «فتوحات روحانی و جذبات ربانی دیگر که ذکر آنها به هیچ دفتر نگنجد و هفده سال پیش در شام آغاز شد و همچنان ادامه دارد» سخن به میان آورده است، و در چهار صفحهٔ انگلیسی پایان کتاب هم نام و مشخصات کتابها و مقاله هایی را که به زبان انگلیسی نوشته ذکر کرده است.

پس از «شناسنامهٔ کتاب» و «پرترهٔ حاج ملا هادی سبزواری - کار نقاش انگلیسی بیل هولس» و تصویر «پروفسور دکتر سید حسن امین»، می رسیم به «فهرست مطالب» کتاب: پیشگفتار، شامل: حکیم سبزواری و شعر و شاعری، تصحیح *دیوان اسرار*، امتیازات چاپ حاضر، عرض سپاس (ص٥-١٣)، فهرست تحلیلی کتاب و فهرست تصاویر و اسناد در ١٢ صفحه (ص الف-ل)، بخش دوم - مقدمهٔ مصحح در ٨ بخش: ١- شرح حال حاج ملاهادی حکیم سبزواری... (ص١٤-١٤٧)، بخش سوم -دیوان اسرار: غزلیات، دیگر آثار منظوم فارسی: ترجیع بند، مثنویها، رباعیها، دوبیتی، قطعه ها (١٤٨-٢٤٩)، بخش چهارم - اشعار متفرقهٔ اسرار (٢٥٠-٢٦٢)، بخش پنجم - ضمائم: اشعار فرزندزادگان اسرار (٢٦٤-٢٩٧)، بخش ششم - پایان سخن... (٢٩٨-٣٠١)، بخش هفتم - ضمائم: اشعاری که برای مصحح سروده اند (٣٠٢-٣١٦)، بخش هشتم - کتابشناسی (٣١٧-٣١٩)، بخش نهم - فهرست اعلام (٣٢٠-٣٢٨)، بخش دهم - فهرست تألیفات و تصنیفات پروفسور سید حسن امین (٢٣٤) (مقصود همان چهار صفحه به زبان انگلیسی در پایان کتاب است).

به طور کلی باید اعتراف کرد که کتاب مشتمل است بر اطلاعات وسیع و نادر مصحح دربارهٔ حاج ملا هادی سبزواری که تاکنون به یقین به این صورت در دیگر کتابی در دسترس علاقه مندان قرار نگرفته است. مصحح در بخش دوم «مقدمهٔ مصحح»، حاج ملاهادی سبزواری را به شرح در ذیل یازده عنوان معرفی کرده است. در فصل دوم «داستانهایی از کرامات حکیم سبزواری» را در زیر ٣٣ عنوان آورده است از جمله «شفای بیمار در خواب» را. در فصل سوم «کلیاتی مربوط به حوزهٔ درس حکیم سبزواری»

آمده است با معرفی ۸۴ تن از شاگردان وی. در فصل چهارم از تألیفات او در زیر ۳۶ عنوان یاد شده است. در فصل پنجم «موسیقی شناسی سبزواری» مورد بحث قرار گرفته و در فصل ششم «شعر و شاعری و شعور اجتماعی سبزواری و متقدمین و معاصرین او» نوشته شده است.

و اما دربارهٔ تصحیح دیوان، مصحح می نویسد «تاکنون نسخهٔ مصحح قابل اعتمادی از دیوان... به طبع نرسیده است» وی از دو چاپ دیوان، یکی در اصفهان به توسط سید محمدرضا دائی جواد در سال ۱۳۳۸ و دیگری چاپ تهران به توسط سید محمد میرکمالی نام می برد که هر دو به نظر وی مغلوط است. مصحح دیوان در اثبات نظر خود نمونه هایی ارائه داده است مانند این بیت در چاپ اصفهان:

عمر بگذشت و نگاهی بر من مسکین نکرد   جان من آخر نه آن جا می بود اهمال را

و می افزاید «این بنده بعد از مدتی فکر و تتبع به این نتیجه رسیدم که حاج ملا هادی گفته است و نوشته است: «جان من! آخر نه انجامی بود اهمال را؟»» (ص۱۷)، و یا این بیت دیگر در چاپ اصفهان:

صرف و نحو کتبِ عمر شد و مفتاحی   که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟

«بدین گونه که چهار کلمهٔ آغاز این بیت را با تتابع اضافات و با اضافه کردن اعراب کسره در آخر حرف ب در کلمهٔ کتب، بیتی زیبا از غزلی شیوا از *دیوان اسرار* را که به حق بیت الغزل معرفت است به کلی خراب کرده اند و بی معنی ساخته اند. این شاه بیت چنان که ما در این نسخه تصحیح کرده ایم چنین است:

صرف و نحو کتبم عمر شد و مفتاحی   که گشاید دل از او در همه ابواب کجاست؟»

دیگر شواهدی که ذکر شده است همه نشان می دهد که ضبط چاپ اصفهان یا تهران نادرست است. (ص۷–۱۰) مصحح می افزاید که «... نسخه های خطی *دیوان اسرار* از جمله نسخه ای به قلم مرحوم میرزا محمود بن میرزا محمد علی تفرشی مورخ ۱۳۱۳ قمری... همه سراسر مغلوط اند. و مقابله و مقایسهٔ آنها چندان کمکی به مصحح نمی کند» (ص۱۰–۱۱).

و آن گاه در «امتیازات نسخهٔ چاپ حاضر» آمده است «۱- ما در این اثر سعی کرده ایم که تمام اغلاط املائی و انشائی را به قدر مقدور تصحیح کنم [کنیم] و اگر از اغلاط مطبعه در امان مانیم نسخه ای صحیح به جامعهٔ علمی و ادبی تقدیم خواهد شد. ۲- از مزایای دیگر این چاپ آن است که ما برای اولین بار غزلیات اسرار را شماره گذاری کردیم تا محققان و مدققان از این پس بتوانند به شیوهٔ علمی به غزلیات این فیلسوف

نامدار و شاعر صاحب آثار مراجعه کنند و ارجاع دهند...» (ص۱۲).

از آنچه گفته شد معلوم می شود *دیوان حاج ملا هادی سبزواری* به شیوه ای صد در صد «ذوقی» تصحیح گردیده، و مصحح که خود شاعر است و از جمله دو شعرش را اخیراً در مجلهٔ *کلک* چاپ تهران دیده ام و نیز خود سبزواری ست و همشهری صاحب دیوان، اشعار حاج ملا هادی سبزواری را با توجه به نسخه های خطی و چاپی چنان که خود صحیح می دانسته به چاپ رسانیده است، وبدین جهت است که از اختلاف ضبط نسخه ها و امثال آن در چاپ حاضر دیوان خبری نیست. اما چنان که می دانیم سالهاست که «تصحیح ذوقی» متون در برابر «تصحیح انتقادی و علمی» رنگ باخته است. بدین جهت دربارهٔ کیفیتِ تصحیح انتقادی دیوان چیزی نمی توان گفت.

از تصحیح دیوان بگذریم. یکی از موضوعهایی که مصحح به تفصیل دربارهٔ آن سخن گفته پیروی حاج ملاهادی سبزواری از حافظ است. چون «بعضی از اساتید (مانند علامهٔ قزوینی) اشعار اسرار را همتا و همطراز اشعار حافظ خوانده اند» (ص۵). مصحح با قبول این موضوع که «اغلب قریب به تمام غزلیاتش رنگ و بوی اشعار شورانگیز حافظ را دارد و به استقبال بسیاری از غزلیات او رفته است و پاره ای از ابیاتش را تضمین کرده است و عبارات و اقوال حافظ را با مفاهیمی والاتر و مضامینی متعالی تر منعکس کرده» (ص۹٤)، می نویسد «از جنبهٔ ادبی صرف، حافظ (همچنان که مولانا جلال الدین بلخی وخیام و اسرار) به اهمیت شاعران بزرگی چون فردوسی، سعدی، نظامی و انوری و شاید تنی چند دیگر ازادباء و بلغاء بزرگ نیست» (ص۹۹). به نظر او «... از روی انصاف و خالی از گزاف [غزلهای حاج ملا هادی سبزواری]، صد ره، عالمانه تر و عارفانه تر و به موازین و مبانی حکمت نزدیکتر از غزل حافظ است و اگر از این باب اسرار را حافظ شکن بخوانیم جسارت و اسائهٔ ادب نیست، بلکه در محکمهٔ انصاف قضاوتی عادلانه کرده ایم» (ص ۹۸). وی دربارهٔ برتری حاج ملا هادی سبزواری بر حافظ از جمله نوشته است «به علاوه، اسرار بالنسبه کثیرالشعر هم هست. حتی در مقایسه با حافظ، مثلاً حافظ فقط ۱۲ غزل دارد که به الف ختم می شود، اما اسرار ۲۵ غزل با قافیهٔ الف گفته است: باز حافظ فقط ۲ غزل با قافیهٔ ب دارد اما اسرار ۵ غزل» (ص۹۰-۹۱).

دربارهٔ عشق حقیقی و مجازی نیز می خوانیم: «مرحوم صدرالمتألهین شیرازی فرموده است که همجنس بازی نشانهٔ ظرافت ذوق و لطافت طبع و مورث حسن تربیت نوجوانان است...» (ص۱۲۹) و آن گاه اشعار چند تن از شاعران فارسی زبان را از این نظر مورد بررسی قرار داده و افزوده است «طلاب علوم دینیه هم از قدیم به رفع شهوت با دیگر

طلاب و بچه بازی معروف بودند...» (ص۱۲٤). و سپس نوشته است «ملاصدرا در *اسفار* به تبع فلاسفهٔ یونانی می گوید که در تعریف زن گفته اند حیوان طویل الشّعر و قصیرالفکر... ملاصدرا طی بیان مطلبی زن و حیوان را در یک ردیف ذکر کرده است... حاج ملاهادی سبزواری در *حواشی اسفار* فرموده است که زنان حیوانی بیش نیستند ولی خداوند بر این حیوانات، صورت انسان و چهرهٔ بشر نقش زده است تا مردان به ایشان رغبت کنند و نسل انسان قطع نشود که نشان می دهد در ایران صد سال پیش زنان چه مقامی حائز بوده اند...» (ص۱۳٤-۱۳۵). و سپس مصحح دیوان می نویسد «اکنون که سخن به این جا رسید و سخن از احکام اسلام در باب مسائل جنسی به میان آمد بی مناسبت نیست که از حقوق زن در ایران و اسلام سخنی به میان آید»، آن گاه مادهٔ ۲۳ قانون قصاص مصوب سال ۱۳٦۰ را آورده: «چنانچه مردی همسر خود را حین رابطهٔ نامشروع با مرد دیگری بیابدشوهر حق دارد...» و افزوده است مضمون این ماده از محکمات و مسلّمیات فقه اسلامی ست، چنان که شهید ثانی در *شرح لمعه* نیز آن را تأیید کرده است و در دنبالهٔ این بحث فقهی و حقوقی از مادهٔ ۱۷۹ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۳ سخن به میان آورده است و آن گاه به مسألهٔ حجاب و پوشش که در ایران از پیش از دورهٔ اسلام مرسوم بوده است (ص۱٤۰) و این که تعدد زوجات اختراع و ابتکار اسلام نیست نیز پرداخته است(ص۱٤۱).

از آنچه گفته شد معلوم می شود که به همت مصحح، اینک *دیوان حاج ملاهادی سبزواری* به صورتی «شسته و رفته» بی آن که زیر صفحات آن از نسخه بدلها پر شده باشد در اختیار علاقه مندان این حکیم نامدار ایرانی قرار دارد (گرچه در ذیل بسیاری از صفحات توضیحاتی مفید دربارهٔ اشعار اسرار مذکور است) و علاوه بر آن مصحح اطلاعات وسیع خود را در موضوعهای مختلف در مقدمه و تعلیقات دیوان دراختیار خواننده قرار داده است، گرچه ممکن است ذکر آنها ضروری نباشد. ولی نکته ای که از آن نمی توان گذشت آن است که جای بخش پنجم «ضمائم» که به اشعار فرزندزادگان حاج ملاهادی سبزواری و تصاویر ایشان اختصاص دارد و بخش هفتم «اشعاری که برای مصحح سروده اند» در *دیوان حاج ملاهادی سبزواری* نیست، گرچه فرزندان و فرزندزادگان آن بزرگمرد و شخص مصحح که همه سبزواری اند، چون حاج ملاهادی از افتخارات آن شهر باشند.

---

* تا در ایران بودم با نام و برخی از آثار و تحقیقات مصحح *دیوان اسرار* کم و بیش آشنایی داشتم. آخرین

کتابی که با نام وی در امریکا به دستم رسید *نامه های دکتر قاسم غنی* بود که در لندن به همت سیروس *غنی* و سید حسن امین چاپ شده بود و نسخه ای از آن در نوروز ۱۳۶۸ به لطف سیروس غنی از لندن برایم ارسال گردید. مصحح *دیوان حاج ملا هادی سبزواری* در چهار پنج ماه اخیر، مجلهٔ *ایران شناسی* را با فرستادن سه مقاله (که یکی از آنها در بخش «نامه ها و اظهارنظرها» ی همین شماره چاپ شده است) و پنج کتاب: *دیوان حاج ملاهادی سبزواری*، *حقوق بیمهٔ دریایی* (چاپ ۱۳۶۶)، نامه های *دکتر قاسم غنی* (چاپ ۱۳۶۸)، *غصب و ضمان قهری* (چاپ ۱۳۶۸)، *فقه و سیاست در عصر صفوی*، تألیف سید محمد بن سید قریش حسینی سبزواری (چاپ ۱۳۷۰) مورد لطف قرار داده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی